

Qualitative Content Analysis of the Lyrics of Bahrainian Movement February 14

Nasrin Abbasi,¹ Farzaneh Mahmoudi², Mohammad Jafarnoudeh³ Ali Baqer Taheriniya⁴

Abstract:

"Content Analysis" is one of the methods of study in the domain of communicational and social sciences which has been entered in other fields such as literature, and deals with the analysis of texts, films, news, Speeches and Interviews in two approaches of qualitative and quantitative. The qualitative approach in this method is subjective interpretation of the data content of text through the systematic process of coding and categorizing, which is done by three approaches of "oriented", "common", and "Summarizing", and with the purpose of "planning the new theory", "Verification and extension of the existing theory", and "detection, quantification, and analysis of specific contents". In this regard, according to applied features of qualitative content analysis, as well as challenging nature of February 14th movement in current developments of Arabs in 2011, in this dissertation poems of protest of Bahrain are studied as the most honest texts of developments by two approaches of oriented and summarizing, and the expression levels of "Arab Spring" and "Islamic Awakening" are identified for violation of the dominant discourse. It has discovered and counted special themes of these poems and studied the prominent literary features of them, as well. according to the oriented approach of the qualitative content analysis, "Islamic Awakening" theory is the most appropriate one to analysis the developments of Bahrain in 2011. "Summarizing" approach expresses special themes in three categories of "expressing Negative Features of Al-e-Khalifa regime", "his undertaken measures to crack down on protesters", "features of protests that have taken place". The third category is the most focused by poets. The clear literary features of, Directness and simplicity, symbolism, being Intertextual, calling personality, are the features that their meanings and Implicit and explicit layers of fight against oppressive and dictator Al-e- Khalifa

Key Words: Bahrain, February 14th movement, poetry, Islamic Awakening, Content analysis, Oriented, Summarizing

¹ PhD in Arabic language and literature, Bu Ali Sina University, Hamadan: nasrinabasi10@yahoo.com

² Master of Arabic Language and Literature, Bu Ali Sina University, Hamadan: mahmoodifarzaneh@ymail.com

³ B.A in Social Communication Sciences, Golestan University, Gorgan: jafarnodeh@gmail.com

⁴ Professor of Arabic Language and Literature, University of Tehran: Btaheriniya@ut.ac.ir

تحلیل المحتوى کیفی لأشعار البحرين في حركة ١٤ فبراير

نسرین عباسی^٥، فرزانه محمودی^٦، محمد جعفر نوده^٧، علی باقر طاهری نیا^٨

الملخص

منهج تحليل الفحوى من مناهج البحث العلمي فى علم العلاقات و علم الاجتماع ثم دخل فى باقى فروع العلم كاسلوب بحثى عامل، و هو ينجز تحليلات النصوص و الأفلام و الأخبار و المحادثات و المقابلات العلمية و المكررة. فى الواقع التكنيك الكيفي هو تفسير المعنويات الذهنية لجعل الرموز المنظم و بناء المقولات و هو ينجز بثلاث خطوات و هي عرفية و إتجاهية و تلخيصية، و كان مقاصد ذلك "إبداع نظرية جديدة" و "دعم و توسعة نظرية" ثم "كشف و تقصي المضامين الخاصة و تبديلها بالكمية ثم تحليلها". و بناء على الجانب التطبيقي لمنهج تحليل الفحوى و بالإتكاء على أساس ثورة ١٤ فبراير البحرين الصراعية فى مسير إحتجاجات سنة ٢٠١١ فى العالم العربي، إن هذه الرسالة تكون وراء دراسة أصدق نصوص إحتجاجات البحرين أى أشعارها الثورية بالخطوتين الإتجاهية و التلخيصية، و بين مقدار صحة كل واحد من نظريتين الربيع العربي و الصحة الإسلامية فى رفض الخطاب الحاكم (أى الطائفية) و ثم إكتشف و أحصى المضامين الخاصة لهذه الأشعار و ناقش ميزاتها الأدبية البارزة. بالإتكاء على الطريقة الإتجاهية لمنهج تحليل المحتوى الكيفي فى أشعار البحرين، كانت نظرية "الصحة الإسلامية" النظرية الصحيحة. و الخطوة التلخيصية من هذا المنهج تبين المضامين الخاصة لهذه الأشعار فى ثلاث مقولات و هي "مميزات حكومة آل-خليفة السلبية"، و "إجراءات حكومة آل-خليفة لقمع المحتجين"، و "مميزات الإحتجاجات المنجزة". و المضمون الثالث هو مضمون أكثر إهتماماً من وجهة نظر الشعراء. إن مميزات هذه المضامين الأدبية البارزة كانت صراحة الكلام و السهولة، و الرمزية البسيطة، و التناص، و الإستدعاء الشخصيات التراثية، و كانت معانى و خبايا الأشعار الخفية التقابل بظلم و جور آل-خليفة.

اللغات الرئيسية: البحرين، حركة ١٤ فبراير، الشعر، منهج تحليل الفحوى، الإتجاهية، الصحة الإسلامية، الربيع العربي.

^٥ مرشح دكتوراه فى اللغة العربية وآدابها، جامعة بو على سينا، همدان: nasrinabasi10@yahoo.com

^٦ الماجستير خريجة اللغة العربية وآدابها، بو على سينا همدان: mahmoodifarzaneh@gmail.com

^٧ بكالوريوس فى علوم الاتصال الاجتماعى، جامعة كلستان، جرجان: jafarnodeh@gmail.com

^٨ ، أستاذ اللغة العربية وآدابها، جامعة طهران: Btaheriniya@ut.ac.ir

تحلیل محتوای کیفی اشعار جنبش ۱۴ فوریه بحرین

نسرین عباسی^۹، فرزانه محمودی^{۱۰}، محمد جعفرنوده^{۱۱}، علی باقر طاهری نیا^{۱۲}

چکیده

روش "تحلیل محتوا" یکی از روش‌های مطالعاتی در حوزه علوم ارتباطات و علوم اجتماعی است که به دیگر رشته‌ها از جمله ادبیات نیز وارد شده است و با دو شیوهی کمی و کیفی به تحلیل‌های علمی و تکرار پذیر متون، فیلم‌ها، اخبار، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها می‌پردازد. شیوهی کیفی این روش تحقیقی عبارت است از: تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای نظام‌مند کدگذاری و مقوله‌سازی، که با سه رویکرد "عرفی"، "جهت‌دار" و "تلخیصی" و با هدف‌های "طرح نظریه‌ی جدید"، "تأیید و گسترش نظریه موجود"، و "کشف و کمی‌سازی و تحلیل مضامین ویژه" انجام می‌گیرد. در این راستا با توجه به ویژگی‌های کاربردی روش تحلیل محتوای کیفی و همچنین با توجه به ماهیت چالش‌برانگیز انقلاب ۱۴ فوریه بحرین در جریان تحولات سال ۲۰۱۱ جهان عرب، رساله‌ی حاضر با استفاده از دو رویکرد جهت‌دار و تلخیصی این روش، اشعار اعتراضاتی بحرین را به عنوان صادق‌ترین متون درباره‌ی تحولاتش مورد بررسی قرار داده و درجه‌ی جلوه‌گری هر یک از دو نظریه‌ی "بهار عربی" و "بیداری اسلامی" را در رد و نقض گفتمان مسلط آن (یعنی طایفه‌گرایی) مشخص ساخته است و همچنین به کشف و شمارش مضامین ویژه‌ی این اشعار و بررسی ویژگی‌های ادبی بارز آن‌ها نیز پرداخته است. با توجه به رویکرد "جهت‌دار" روش تحلیل محتوای کیفی، از بین دو نظریه‌ی "بهار عربی" و "بیداری اسلامی"، نظریه‌ی "بیداری اسلامی" برای تحولات سال ۲۰۱۱ کشور بحرین مناسب و صحیح بوده؛ و رویکرد "تلخیصی" این روش، مضامین ویژه‌ی اشعار را در سه مقوله‌ی "بیان ویژگی‌های منفی حکومت آل خلیفه"، "اقدامات انجام‌شده‌ی او برای سرکوب معترضان"، و "ویژگی‌های اعتراضات صورت گرفته" بیان می‌کند که در میان آن‌ها مورد سوم بیشترین توجه شاعران به خود معطوف ساخته است. ویژگی‌های ادبی بارز این مضامین، صراحت کلام و سادگی زبان، نمادگرایی، بینامتنیت، و فراخوانی شخصیت است که معانی و لایه‌های پنهان و آشکار آن‌ها مبارزه با ظلم و ستم آل خلیفه می‌باشد.

^۹ دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه بوعلی سینا، همدان: nasrinabasi10@yahoo.com

^{۱۰} کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، بوعلی سینا همدان: mahmoodifarzaneh@ymail.com

^{۱۱} کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه گلستان-گرگان: jafarnodeh@gmail.com

^{۱۲} استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران: Btaheriniya@ut.ac.ir

۱-۱- مقدمه

هر شعر زیبا، انقلابی واقعی، و هر انقلاب واقعی، شعری زیبا است؛ به همین دلیل به دنبال وقوع هر انقلاب، رود پر خروش شعر به جریان می‌افتد و در جریان خروشان آن، تلخی و شیرینی و ضعف و قدرت با یکدیگر آمیخته و متحد می‌شوند (سالم، ۲۰۱۱)، و اینچنین شعر و ادبیات پایداری شکل گرفته و در گذر زمان تبدیل به ادبیاتی جهانی می‌شود. در واقع بنا بر اعتقاد کلی « شعر از جمله هنرهای زیبا شمرده می‌شود و هنرهای زیبا طبق تعریف، دارای ارزش ذاتی هستند که با صرف نظر از فایده - قطعی یا احتمالی - آن‌ها، آفرینش زیبایی، هدف اصلی و ابتدایی‌شان به حساب می‌آید؛ اما از آنجا که شعر برترین درجه‌ی ناخودآگاه است و حاصل کشف و شهود، پیوسته با واقعیت‌های زندگی ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ به طوری که این ارتباط تقریباً در تمام طول تاریخ گذشته و همچنین در تمام مکاتب ادبی معاصر قابل مشاهده است. شعر در مقدمه‌ای که عقاد بر دیوان شکری نوشته است: حقیقت حقایق و جوهر اصلی هر پدیده و ترجمان نفس معرفی شده است. رومانتیست‌ها، شعر را وحی و الهام، و شاعر را نبی و کاهن می‌خوانند و رئالیسم‌ها آن را به مردم و مسائل زندگی پیوند می‌دهند؛ به طوری که این پیوند، پیوند با واقعیت زندگی است نه همچون رومانتیست‌ها با خیال و رویایی از زندگی» (رجائی، ۱۳۸۲: ۴۲).

از آنجا که ادبیات از آغاز با نفس و روح آدمی عجین و مانوس بوده و در اسلام و همچنین در جهان ادبی معاصر مسئول و متعهد است، از این رو با تحولات اجتماعی و انقلاب‌ها نیز رابطه‌ای مستقیم و دو سویه دارد؛ یعنی از سویی باعث تشویق و تهییج پیشبرد انقلاب‌ها و حرکت‌های مردمی شده و از دیگر سو به شرح و توصیف این وقایع می‌نشیند و آنقدر این رابطه به هم پیوسته و نزدیک است که "حلمی سالم" شاعر و ناقد معاصر مصری، برای شرح و توصیف زیبایی‌های شعر و همچنین نیکویی‌های انقلاب‌های سازنده، صفت و واژه‌ای جز خودشان نمی‌یابد و برای مجسم ساختن زیبایی‌های شعر ارزشمند، در اذهان، آن را به انقلابی راستین تشبیه کرده و همچنین برای توصیف زیبایی‌ها و ارزش انقلاب‌های راستین و مردمی، آن‌ها را نیز به شعری زیبا تشبیه می‌کند و در این باره چنین می‌نویسد که: «کل شعر جمیل هو ثورة حقیقیه، وکل ثورة حقیقیه هی شعر جمیل (سالم، ۲۰۱۱). در این راستا، پژوهش حاضر - با توجه به این رابطه‌ی نزدیک شعر و تحولات اجتماعی - بر آن شده است تا به وسیله‌ی روش "تحلیل محتوای کیفی"، اشعار منتشر شده‌ی جنبش ۱۴ فوریه‌ی کشور بحرین را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و حقیقت و ماهیت قیام‌های این کشور را، تا حدودی روشن و مشخص سازد و بدین وسیله درجه‌ی صداقت و درستی هر کدام از دو نظریه‌ی بیداری اسلامی و بهار عربی^{۱۳} را به تصویر بکشد.

در همین راستا پژوهش مذکور به دنبال پاسخ‌گویی به دنبال سوالات زیر است:

- ۱- خواسته‌های شاعران در چارچوب چه افکاری دور می‌زند؟
 - ۲- با توجه به جامعه آماری شاعران، معترضان چه نوع حکومتی را برای خویش می‌خواهند؟
- ۱-۲- پیشینه‌ی پژوهش: درباره تحلیل محتوا در ادبیات، مقالات ارزشمندی نگارش یافته است که در زیر به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود.

از آن جمله است مقاله‌ی «تحلیل محتوایی شعر عنتره با رویکرد تاریخی در تعاملات ایران و عرب قبل از اسلام» کاری از محمد شیخ که در مجله لسان مبین، به چاپ رسیده است. رهیافت پژوهش نشان می‌دهد که «مندرجات دیوان عنتره

نقشی مؤثر در تبیین برخی مجهولات مرتبط با آن دوره تاریخی ایفا کرده است. گفتار و بیان واقع‌گرایانه وی لایه‌های پنهان و غیرقابل‌انکاری را از شوکت و عظمت فرهنگ ایرانی آشکار ساخته و اسباب غرور ملی را در برابر بیگانگان فراهم کرده است. این متن معتبر عربی دارای ارزش تاریخی است و قابلیت آن را دارد تا مورد استفاده و استناد پژوهشگران تاریخ ایران قبل از اسلام قرار بگیرد.

همچنین فرحناز کیانی، پایان‌نامه‌ای با عنوان «**تحلیل محتوای خطبه‌های نهج البلاغه با توجه به مفهوم عهد و پیمان**» به نگارش رسانده است. ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که ز مجموع ۲۴۱ خطبه، در ۶۵ خطبه به مفاهیم عهد و پیمان اشاره شده است، که شامل پیمان خدا و رسول (ص) و ائمه اطهار(ع)، پیمان زمامداران، پیمان با خود و خویشان و پیمان شیطان بوده است و همچنین دو مقاله‌ی «**تحلیل مؤلفه‌های حکمت در نهج البلاغه**» و «**دیدگاه اجتماعی حکمت‌های نهج البلاغه**» به نگارش آقایان رنجبریان، و وصالی که هر دو در مقاله‌های خود از روش تحلیل محتوا استفاده کرده‌اند؛ با این تفاوت تحلیل و بررسی رنجبریان با استفاده از رویکرد کمی این روش می‌باشد و تحلیل وصالی صرف نظر از ایرادات وارده بر آن براساس رویکرد کیفی و تلخیصی-قیاسی می‌باشد؛ و اما پژوهشی که بسیار نزدیک به رویکرد حاضر در این پژوهش می‌باشد مقاله‌ای است با عنوان «**تحلیل و نقد نامه‌های معاویه به امیرالمومنین(ع)**» به نگارش ایزدی و جانی‌پور که با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با استناد به مسائل تاریخی به انجام آن پرداخته‌اند.

مقالاتی که در زمینه ادبیات و جنبش ۱۴ فوریه بحرین به نگارش رسیده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

فاروق نعمتی(۱۳۹۷)، مقاله‌ای با عنوان «**مضامین المقاومة فی دیوان «جراحات البحرین» للشاعر ابن البحرین** در مجله دراسات الأدب المعاصر شماره ۳۷ به چاپ رسیده است. طنز گزنده شاعر نسبت به خاندان خلیفه و دعوت مردم به آزادی و استقلال از نظام حاکم و الگو گرفتن از انقلاب بزرگ ایران، انگیزه لازم برای پایداری و تشویق مردم به مقاومت است.

علی باقر طاهری نیا و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «**صدی الوحدة العقائدية فی أدب المقاومة لحرکة البحرین**» در مجله دراسات الأدب المعاصر، شماره ۱۹ به نشر رساندند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف دیدگاه غربیان که جنبش بحرین را حرکت فرقه‌گرایی قلمداد می‌کردند و آن را اختلافات بین اهل سنت و شیعه تعبیر می‌کردند. اما بررسی اشعار نشان می‌دهد که هیچ اختلافی بین فرقه‌های مذهبی نیست و مردم متحد علیه ظلم حاکم و دولت به پا خواستند.

منصور سرحان (۲۰۱۱) در کتاب «**النقد الأدبی فی البحرین فی القرن العشرين**» به نمونه‌های بیداری اسلامی در شعر شعرای معاصر بحرینی پرداخته است و ندای استقلال طلبی مردم سرزمینش را از زبان شاعران بیان می‌دارد.

بنابراین با نگاهی به پیشینه‌ی پژوهش روشن می‌شود که در زمینه‌ی تحلیل محتوا در شعر عربی و خصوصاً ادبیات بحرین، کار مستقلی صورت نگرفته است و تحقیق پیش‌رو کاری تازه و نو است.

۲- تعریف نظریه‌های مورد نظر

تحولات ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ جهان عرب -علی‌الخصوص کشور بحرین- توسط شخصیت‌ها و مقام‌های کشورهای مختلف حامی و طرفدار اعتراضات، به شیوه‌های متفاوتی تبیین و تحلیل شده است؛ که اصلی‌ترین و محوری‌ترین آن‌ها تحت عناوین "بهار عربی" و "بیداری اسلامی" شناخته شده‌اند و پژوهش حاضر نیز از طریق مطالعه‌ی اشعار اعتراضات - که صادق‌ترین متون

درباره تحولات هستند- به دنبال بررسی و سنجش این دو نظریه و تشخیص میزان صداقت و درستی هر یک از آنها می‌باشد. در این راستا برای استخراج مقوله‌های اصلی تحلیل از نظریه‌های مذکور-به منظور کدگذاری متن اشعار-در زیر به تعریف و توضیح هر دو نظریه‌ی بهار عربی و بیداری اسلامی می‌پردازیم.

۱-۲- بهار عربی

بهار عربی یکی از رویکردهای عمومی درباره‌ی خیزش‌ها و انقلاب‌های جهان عرب است که اولین بار توسط مطبوعات و سیاست‌مداران آمریکایی ارائه شده (بهار عربی به پایان رسید، بیداری اسلامی همچنان پابرجاست، ۱۳۹۲) که پس از آن، همه‌ی رسانه‌ها و مطبوعات جهانی و عربی با استفاده‌ی گسترده از آن، خیزش‌ها و انقلاب‌های جهان عرب را تحت عنوان "الربیع العربی" معرفی کردند؛ و حتی در مقابل ناکام ماندن مطالبات آن‌ها، از آن با عنوان خزان یا زمستان عرب نیز یاد کردند. در واقع وجه تسمیه‌ی این اصطلاح، به طور عام به مشابه‌انگاری "تحولات جهان عرب" به "رویدادهای اروپای شرقی در مبارزه با شوروی کمونیست" یعنی "بهار اروپای شرقی" در قرن نوزدهم (اسپرینگبورگ، ۱۳۹۱: ۲) و به طور خاص به "بهار پراگ" در سال ۱۹۶۸ برمی‌گردد (سوسن أحمد، ۲۰۱۱). بنابراین اصطلاح "بهار" در ادبیات سیاسی بین‌المللی دارای معنایی خاص است که مخاطب خود را به سوی ماجرای "بهار پراگ ۱۹۶۸" و تحولات کشور چکسلواکی و شکست آن در مسیر اصلاحات، سوق می‌دهد. هر چند که به طور دیپلماتیک، تحولات کشور بحرین از رویکرد "بهار عربی" مستثنی شده و توسط نظام حاکم این کشور و هم‌پیمانانش برچسب طایفه‌گرایی خورده است؛ اما با این حال جریان‌های بسیاری در سطح جهان، در قالب گفتمان اعتراض، و در رویارویی با گفتمان حاکم، قائل به این مطلب هستند که کشور بحرین نیز به دنبال به دست آوردن حقوق دموکراتیک خود است و در این مطالبات با سایر کشورهای عربی مشترک بوده و تحولات و اعتراضاتش زیر مجموعه "بهار عربی" قرار می‌گیرند. این جریان‌ها با صرف نظر از وجه تسمیه‌ی رویکرد مورد نظرشان یعنی بهار عربی - به طور کلی معتقدند که مطالبات کشورهای عربی و همچنین کشور بحرین چیزی غیر از اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی و یا هر چیز دیگر است، آنان این اعتراضات را نوعی دموکراسی‌خواهی و درخواست اصلاحات اقتصادی می‌دانند که در مقابل حکومت‌های دیکتاتوری بروز کرده است. این جریان‌ها چنین عنوان می‌کنند که: «خواست اصلی و محوری عرب‌ها، اعم از مصری‌ها، یمنی‌ها، تونسی‌ها، لیبیایی‌ها تا بحرینی‌ها و سوری‌ها، بر چیده شدن حاکمیت استبداد و دیکتاتوری‌های حاکم بر کشورشان است و آنچه که از هر رنگ و سلیقه و تفکری خواهانش هستند، خواسته‌های دموکراتیک است. آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و اجتماعات سیاسی، انتخابات آزاد، آزادی اندیشه، آزادی زندانیان سیاسی و بالاتر از همه حاکمیت قانون» (زیبا کلام، ۱۳۹۰: ۲۵). همچنان که می‌بینیم شیوه و اسلوب نامگذاری "بهار عربی" برای این اعتراضات نیز از سوی آنان؛ مؤید همین کلام می‌باشد؛ به طوری که واژه‌ی "بهار" در اصطلاح "بهار عربی" به لحاظ ایدئولوژیک، تعبیری می‌باشد که تنها مفهوم آزادی و شکوفایی صرف را می‌رساند و نه مفهوم دینی و الهی (بیداری انسانی و بهار عربی به جای بیداری اسلامی، غفلت یا تعمد؟ ۱۳۹۱)، و به بیان روشن و واضح در معنای خواسته‌های دموکراتیک در قالب "لیبرال دموکراسی" می‌باشد (رزمی، ۱۳۹۰:

^{۱۴} "پراگ" پایتخت کشور چکسلواکی - یکی از متحدان شوروی و بلوک شرق سابق در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم- است که با حکومت سوسیالیستی - کمونیستی اداره می‌شده است. این کشور اولین کشور از متحدان شوروی بود که مردمش نسبت به سیاست‌های بسته‌ی کمونیست اعتراض کرده و در پی اعتراضات خود اصلاحاتی را به دست آوردند و بهار پراگ آغاز شد؛ اما از آنجا که تحولات آن از نظر "لئونید برژنف" دیکتاتور اتحاد شوروی، غیرقابل پذیرش و قابل تسری به سایر کشورهای اتحاد شوروی بود؛ بنابراین به نیروهای پیمان ورشو دستور اشغال این کشور را داد و مهاجمان در کمتر از ۲۴ ساعت خاک این کشور و پراگ پایتخت را اشغال کردند (موحدیان، ۱۳۷۲: ۵) و اینچنین "بهار پراگ" ناگهان پایان یافت و بعد از آن "خزان پراگ" و «سرکوب‌گرترین رژیم اروپای شرقی به قدرت رسید» همان)

۳. بنابراین براساس نظریه‌ی "بهار عربی"، چنین می‌توان نتیجه گرفت که معترضان در جهان عرب و کشور بحرین به دنبال تحقق نظام حکومتی "لیبرال دموکراسی" بر کشور خود می‌باشند.

۲-۲- بیداری اسلامی

به طور کلی اصطلاح "بیداری اسلامی" متعلق به « جنبشی اجتماعی، فکری و سیاسی در جهان اسلام است که در طی دو قرن گذشته شکل گرفته و بالنده شده است و هدف آن احیای هویت، ارزش‌ها و احکام اسلامی در جامعه و مبارزه با استعمار، استبداد جهانی است» (فوزی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). اما به طور خاص نظریه‌ی "بیداری اسلامی" دیگر نگرش موجود درباره‌ی تحولات ۲۰۱۱ جهان عرب و علی‌الخصوص کشور بحرین است که اولین بار در جریان فکری بیداری اسلامی شیعیان اثنی عشر و توسط آیه‌الله خامنه‌ای مطرح شده است (نجفی، ۱۳۹۱: ۵). از نظر ایشان بیداری اسلامی ناشی از "احساس تحقیر شدگی" ای است که طی قرون گذشته در اثر سلطه استعمار غرب بر جوامع اسلامی ایجاد شده است و در واقع همان عزت اسلامی می‌باشد (همان). وی در کتاب "یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی" می‌نویسد: «امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است... امروز در میان امت اسلامی بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب وحی. امروز در کشورهای اسلامی، علیه دیکتاتورهای وابسته قیام شده است؛ این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی، که عبارت است از دیکتاتوری شبکه‌ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرت‌های استکباری (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۶۷-۱۷۳). وی همچنین اضافه می‌کند: «انتخابات تونس و مصر و شعارها و رویکردهای مردم یمن و بحرین و سایر سرزمین‌های عربی، علامت می‌دهد که همه می‌خواهند مسلمان معاصر بدون افراط خشک‌سرانه و تفریط غرب‌گرایانه باشد و با شعار "الله اکبر" می‌خواهند مسلمانان، با ترکیب معنویت، عدالت و عقلانیت، و با روش مردم‌سالاری دینی، پس از تحقیر و استبداد و عقب‌ماندگی و استعمار و فساد و فقر و تبعیض صد ساله‌ی رهایی یابند» (خامنه‌ای، خطبه نماز جمعه مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۹۰، به نقل صوفی نیارکی، ۱۳۹۱: ۴۵۲). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده براساس نظریه‌ی "بیداری اسلامی"، تحولات ۲۰۱۱ جهان عرب و علی‌الخصوص اعتراضات کشور بحرین، به دنبال تحقق نظام حکومتی "مردم‌سالاری دینی" می‌باشد.

۳- تحلیل محتوای کیفی

روش تحلیل محتوای کیفی که در مقابل تحلیل محتوای کمی قرار می‌گیرد عبارت است از: روشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از طریق کدگذاری سیستماتیک، فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، و تم‌سازی و مشخص ساختن الگوها، بدون کمی‌سازی شتابزده (Mayring, 2005). هر تحلیل محتوای کیفی، بعد از بیان مسئله و تعیین اهداف و سوالات تحقیق، برای رسیدن به تحلیل مورد نظر باید مراحل مشخص‌شده‌ای را طی کند که این مراحل عبارتند از:

^{۱۵} جریان‌های داعیه‌دار جنبش "بیداری اسلامی" براساس اصول و مبانی اعتقادی خود -که منجر به تصمیم‌گیری‌های سیاسی آن‌ها می‌شود- به پنج دسته‌ی کلی: ۱- جریان اسلام سنتی، ۲- جریان‌های سلفی، ۳- جریان اصلاح‌طلب عمل‌گرا و میانه‌رو، ۴- جریان نوگرای نواعزالی و ۵- جریان‌های سیاسی شیعیان تقسیم می‌شوند؛ که هر یک نیز شامل جریان‌های فرعی‌تری می‌باشند. البته آثار و نتایج هر یک از آن‌ها بر جامعه‌ی اسلامی و جهانی، با توجه به خط و مشی و سیاست‌هایشان، متفاوت و بعضاً متناقض است؛ به طوری که پیامدهای برخی از آن‌ها برخلاف ادعا و شعارهایشان، تنها ابزار است برای ویرانی و نابودی اسلام حقیقی (فوزی، ۱۳۹۲: ۱۲۹). همانطور که در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز «برخی گروه‌های تندرو، مظاهر دروغین بیداری اسلامی بوده و کاری جز اختلاف‌افکنی ندارند» (یوسفی، ۱۳۹۱: ۲۹۶)

۳-۱- **انتخاب جامعه‌ی آماری** که عبارت است از: «مجموعه‌ای از افراد یا اشیاء که دارای ویژگی‌های همگون و قابل-اندازه‌گیری باشد» (نادری، ۱۳۷۲: ۴۱).

۳-۲- **انتخاب واحد ثبت یا تحلیل**، این واحد چیزی است که در تحلیل محتوا شمرده شده و مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هولستی پنج نوع واحد عمده‌ی ثبت یا تحلیل را بیان کرده است که عبارتند از: کلمه، مضمون، کاراکتر (شخص)، پاراگراف و مورد

۳-۳- **نمونه‌گیری**، این مرحله به معنای «برداشتن هر نسبتی از جامعه یا کل، به عنوان معرف آن جامعه یا کل است» (کرلینجر، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۸۸) و به بیان دیگر عبارت است از فرآیند انتخاب مجموعه‌ای از واحدها برای مطالعه از میان جمعیت بزرگتر (Neuendorf, 2002: 83). البته در برخی تحقیقات نیازی به نمونه‌گیری نیست؛ به این دلیل که یا حجم داده‌ها اندک است یا هدف تحقیق بررسی دربارہ‌ی تمامی جامعه آماری است (محمدی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

۳-۴- **کدگذاری** که به معنی اختصاص دادن عددها و رقم‌ها به محتوای متن، براساس دستورالعمل کدگذاری و واحد ثبت است. محمدی‌مهر، این عمل را فرایندی می‌داند که طی آن متن تحقیق بازبینی، باز شنوی یا باز خوانده می‌شود و عدد (کد) هر مقوله با توجه به دستورالعمل کدگذاری، در برگه‌ی کدگذاری وارد می‌شود (همان)

۳-۵- **مقوله‌بندی** که نوعی تقسیم‌بندی و تفکیک متن به قطعات یا بخش‌های مجزا است که بر حسب ماهیت داده‌ها و هدف تحقیق انجام می‌پذیرد (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۷). هولستی دربارہ‌ی مقوله‌ها، معتقد است که آن‌ها باید منعکس کننده‌ی هدف‌های تحقیق باشند و سه ویژگی: فراگیری^{۱۶}، طرد متقابل^{۱۷} و استقلال^{۱۸} را در خود دارا باشند (همان، ۱۴۸-۱۵۷). ویژگی "فراگیری" تضمین می‌کند که هر واحدی که در متن است و باید مورد تحلیل قرار گیرد، ثبت شده و در یکی از مقوله‌ها جای بگیرد. "طرد متقابل" نیز تضمین می‌کند که هیچ یک از واحدهای مورد تحلیل در بیش از یک مقوله گنجانده نشود. "استقلال" هم به معنی آن است که هر مقوله‌ای هویت مشخص و جداگانه‌ای دارد و ارزش آن از ارزش دیگر مقوله‌ها جداست و به ارزش هیچ مقوله‌ی دیگری وابسته نیست (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۵-۹۹). بدین ترتیب همیشه باید تعدادی کافی و همچنین غیر اضافی از مقوله‌ها وجود داشته باشد تا همه‌ی واحدها را پوشش داده و از تکرار مطالب جلوگیری کند.

۳-۶- **محاسبه‌ی قابلیت اعتماد و پایایی کدگذاری**، پایایی به معنای: رسیدن به نتایج مشابه با به کارگیری ابزار یکسان است؛ که میزان وجود آن با تکرار کدگذاری و محاسبه از طریق فرمول‌های خاص صورت می‌گیرد (همان: ۱۵۴). در واقع چون ممکن است «برداشت‌های ذهنی محققان و کدگذاران در طبقه‌بندی‌ها تأثیر گذارد، به منظور حذف این تأثیر کوشش می‌شود تا متن مورد بررسی پس از طبقه‌بندی و ارزشیابی، مجدداً توسط کدگذاران دیگر طبقه‌بندی و ارزشیابی شود و سپس براساس روش‌های مشخص، میزان قابلیت اعتماد آن محاسبه شود» (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۳). در هر منبع و کتابی که دربارہ‌ی تحلیل محتوا نگاشته شده است برای تعیین پایایی، روش‌ها و فرمول‌های مختلفی ارائه شده است که پژوهش حاضر از میان آن‌ها روش هولستی را برگزیده است. ضریب پایایی هولستی که کاربرد فراوان دارد، نسبت توافقی‌های رمزگذاری به تعداد کل تصمیم‌های مربوط به رمزگذاری را نشان می‌دهد:

^{۱۶}) Exhaustiveness

^{۱۷}) Mutual Exclusivity

^{۱۸}) Independence

$$PAO = \frac{2A}{nA + nB}$$

در این فرمول، PAO به معنی میزان توافق مشاهده شده است، A تعداد توافقاتی بین دو کدگذار و nA و nB به ترتیب تعداد واحدهای کدگذاری شده از سوی کدگذاران A و B است. توافق به دست آمده، از صفر (به معنی هیچ توافق) تا یک (به معنی توافق کامل) متغیر است (محمدی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۵۵). درصد قابلیت اعتماد کدگذاری پژوهش حاضر ۰/۹۷ است؛ بدین ترتیب که پژوهشگران در مرحله اول کدگذاری ۱۷۱ کد از اشعار استخراج کردند و بعد از دو ماه در مرحله دوم ۱۶۷ کد را، که از میان این کدهای استخراج شده در دو مرحله، ۱۶۵ کد مشترک بودند و به صورت زیر در فرمول مذکور محاسبه شدند و چون عدد به دست آمده بسیار نزدیک به عدد یک است کدگذاری انجام شده از پایایی و قابلیت اعتماد فراوانی برخوردار می‌باشد.

$$PAO = \frac{2A}{nA + nB} = \frac{2(165)}{171 + 167} = \frac{330}{338} = 0.976331609467456$$

۳-۷- گزارش نویسی: در فرایند تحقیق، پس از اجرای طرح، در آخر نوبت به نوشتن گزارش تحقیق می‌رسد. گزارش تحقیق شامل طرح، روش اجرا، مواد و منابع، دستاوردها و نتایج تحقیق است که برای اطلاع خوانندگان نوشته می‌شود.

۴- رویکرد جهت‌دار

رویکرد جهت‌دار زمانی استفاده می‌شود که نظریه یا تحقیقاتی درباره‌ی یک پدیده مطرح باشند که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند و این رویکرد با هدف معتبر ساختن و گسترش دادن چارچوب مفهومی و یا خود آن نظریه‌ی مطرح، شروع به بررسی و تحلیل می‌کند (Mayring, 2005:43). کدگذاری و مقوله‌بندی در این رویکرد، به شیوه‌ی قیاسی انجام می‌شود؛ یعنی ابتدا مقوله‌ها از متغیرهای نظریه یا تحقیقات از پیش انجام شده استخراج می‌شوند، سپس براساس تعریف علمی آن مقوله‌ها، مفاهیم یا زیر مقوله‌ها ساخته می‌شوند و آنگاه کار کدگذاری متن درست بر اساس تعاریف علمی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های طراحی شده، انجام می‌شود (اسدی، ۱۳۸۹: ۱). همچنین تحلیل‌ها نیز در اثناء انجام این عملیات انجام می‌پذیرند.

۵- تجزیه و تحلیل پژوهش

هدف روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار، بررسی نظریه‌هایی است که جاپای خود را محکم نکرده و هنوز مورد شک و تردید برخی از مخاطبان خود قرار دارند. نمونه‌ی اینگونه نظریات مطرح، دو نظریه‌ی تازه متولد شده‌ی "بهار عربی" و "بیداری اسلامی" هستند که درباره‌ی تحولات و اعتراضات سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ جهان عرب ارائه شده‌اند و شک و تردید مخاطبان در مورد پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها -به دلیل مخالفت‌های حامیان آن‌ها با یکدیگر- بسیار زیاد است. اکنون این پژوهش با استفاده از این رویکرد روش تحلیل محتوای کیفی، به دنبال برطرف کردن این شک و تردیدها و رسیدن به یقین در مورد اعتراضات ۱۴ فوریه‌ی کشور بحرین است.

۵-۱- جمع‌آوری اشعار و تعیین جامعه‌ی آماری و نمونه‌انتخابی

برای تحلیل اشعار و بررسی ماهیت حقیقی جنبش ۱۴ فوریه بحرین و شروع تحقیق حاضر، ابتدا می‌بایست اشعار این جنبش مردمی جمع‌آوری می‌شدند و از آنجا که اشعار به دلیل گذشت مدت زمان کوتاه از آغاز اعتراضات، هنوز صورت مدون و

چاپ شده به خود نگرفته بودند؛ لذا برای انجام این امر کلیه سایت‌ها و وبلاگ‌های ادبی حمایت‌کننده‌ی اعتراضات مورد بررسی قرار گرفتند. این بررسی‌ها با استفاده از جستجوگر عربی گوگل انجام شد و عبارت‌هایی همچون "شعر حرکۀ ۱۴ فبرایر للبحرین"، "شعر ثورة البحرین"، "أدب ثورة البحرین" و ... مورد جستجو قرار گرفتند. از آنجا که تبلیغات و هماهنگی‌های پیشبرد اعتراضات ۲۰۱۱ جهان عرب، اکثراً به وسیله‌ی جوانان و از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن هدایت می‌شد، لذا سایت‌ها و وبلاگ‌های فراوانی در این زمینه یافت شدند. منسجم‌ترین و بارزترین آن‌ها پایگاه "شعراء ثورة البحرین" بود. این پایگاه بنا بر معرفی‌نامه‌ی منتشر شده‌ی آن، سایتی آرشيوگونه بود برای دسته‌بندی سروده‌های منتشر شده در صفحه‌ی "شعراء ثورة البحرین" شبکه‌ی "Facebook" که به منظور سهولت دسترسی کاربران به اشعار، بدین صورت ترتیب یافته بود (www.shuarabahrain.net.ms، به نقل محمودی، ۱۳۹۲: پیوست). از آنجا که این پایگاه با نگاه علمی، ادبی و انقلابی سایتی معتبر، منسجم و منظم بود و همچنین به نوعی به عنوان سایت مادر و مرجع بسیاری دیگر از سایت‌ها و وبلاگ‌های حمایت‌کننده به شمار می‌رفت، اشعارش تماماً تا تاریخ دهم آوریل ۲۰۱۲ کپی‌برداری و ذخیره شده و به عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش در نظر گرفته شد. همچنین در کنار مطالعه‌ی اشعار این پایگاه، اسامی دیگری از شاعران بحرینی که در مورد سابقه‌ی لیبرال‌خواهی آنان اطمینان خاطر وجود داشت - همچون "قاسم حداد" و "پروین حبیب" و ... - مورد جستجو قرار گرفتند؛ تا اشعار احتمالاً سروده شده‌ی آن‌ها در مورد اعتراضات نیز - به عنوان مکملی برای جامعه‌ی آماری - مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند؛ که با وجود جستجوی فراوان حتی یک قصیده نیز از آنان یافت نشد. بنابراین با توجه به این موضوع صرفاً، اشعار کپی‌برداری شده‌ی پایگاه مذکور به عنوان جامعه‌ی آماری تعیین شدند و همچنین تصمیم گرفته شد که به منظور جلوگیری از حذف احتمالی و نامحسوس برخی از اشعار طیف‌های مختلف معترض - از جمله اسلامگرایان، لیبرال‌ها و ... - مرحله‌ی نمونه‌گیری از جامعه‌ی آماری، حذف شود و تمامی حجم اشعار کپی‌برداری شده تا تاریخ معین مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. بدین ترتیب حجم جامعه‌ی آماری عبارت شد از: ۱۴ قصیده‌ی ارائه شده توسط ۱۲ شاعر شرکت‌کننده در جشنواره‌ی "نصرة البحرین" که در نجف اشرف برگزار شده بود، و همچنین ۲۵۱ قصیده از ۲۳ شاعر دیگر که برخی، اشعار را، با نام و شهرت اصلی و رسمی خود به اشتراک گذاشته بودند و برخی دیگر با نام‌های مستعار و مبدل، همچون: أریح الحریة، أنین القلم، عشقی وطن و ... منتشر کرده بودند. لازم به ذکر است که چند ماه بعد از کپی‌برداری اشعار در مراجعه‌های بعدی معلوم شد که این سایت توسط حامیان حکومت آل خلیفه هک و از فضای اینترنت حذف شده است؛ اما با این وجود، از آنجا که سایت مذکور هیچ نوع گرایش سیاسی خاصی را برای اعضای خود تعیین نکرده و هدف راه‌اندازی خود را صرفاً حمایت اعتراضات بحرین از هر صنف و حزبی اعلام کرده بود و شاعران اشعار خود را بدون هیچ فیلتر و خط قرمزی در آن به اشتراک می‌گذاشتند، لذا همچنان به عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش باقی ماند. ۱۹

۵-۲- تعریف عملیاتی مقوله‌ها و کدگذاری و تحلیل اشعار براساس آن‌ها

کار کدگذاری اشعار در "رویکرد جهت‌دار" باید براساس تعریف عملیاتی مقوله‌های مستخرج از نظریات مطرح انجام گیرد، و نیز روشن شد که مقوله‌های مستخرج از دو نظریه‌ی "بهار عربی" و "بیداری اسلامی" عبارتند از: ۱- اصول مد نظر، ۲- نمادها و الگوهای فکری-عقیدتی و ۳- امیدهای موجود برای تحقق پیروزی؛ که در این بخش بعد از تعریف عملیاتی هر یک، با رسم جداول کدگذاری اشعار، به تحلیل اشعار و نتیجه‌گیری می‌رسیم.

(مطلع تمامی اشعار جامعه‌ی آماری به همراه نام اصلی یا مستعار سرایندگانشان - به منظور بازیابی مجدد آن‌ها در پایگاه‌های مختلف اینترنتی و یا چاپ دواوین شعراء- در پیوست رساله‌ی کارشناسی ارشد با عنوان "تحلیل محتوای کیفی اشعار جنبش ۱۴ فوریه بحرین" به نگارش فرزانه محمودی و با راهنمای آقای دکتر علی باقر طاهری‌نیا موجود می‌باشد.

۵-۲-۱- اصول مد نظر

منظور از مقوله‌ی "اصول مد نظر"، اصول دینی و لیبرالی می‌باشد که با توجه به دو اصل اساسی **خدماتحوری و انسان محوری** در جهان‌بینی دو مکتب اسلام و لیبرالیسم بررسی می‌شود، زیر مقوله‌های آن عبارتند از: ۱- اهمیت وجود دین در سیاست و اجتماع و لزوم رعایت ارزش‌ها و قوانین آن و ۲- ناکارآمدی دین در سیاست و اجتماع و تکیه بر ارزش و احترام خرد جمعی و نخبه؛ که جدول زیر فراوانی هر یک را در اشعار نشان می‌دهد:

عنوان مقوله	زیر مقوله‌ها	فراوانی
اصول مد نظر	۱- اهمیت وجود دین در سیاست و اجتماع و لزوم رعایت ارزش‌ها و قوانین آن	۳۸
	۲- ناکارآمدی دین در سیاست و اجتماع و تکیه بر ارزش و احترام خرد جمعی	۱

الف) اهمیت وجود دین در سیاست و اجتماع و لزوم رعایت ارزش‌ها و قوانین آن

در اندیشه‌ی اسلامی، اجرای احکام و قوانین دینی همانطور که در حوزه‌ی شخصی و فردی مهم است، در حوزه‌ی سیاست و اجتماع نیز امری مهم و ضروری تلقی می‌شود؛ زیرا که دین اسلام دینی اجتماعی است که اصول و احکامش منحصر به مسائل فردی نمی‌شود و «حجم انبوهی از مسائل و موضوعات آن -در قرآن کریم و روایات معصومین- به حوزه‌ی اجتماعی زندگی انسان از قبیل امور فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... اختصاص دارد، مانند: قوانین کیفری حدود، مجازات، قصاص و تعزیرات و نیز چگونگی اثبات، اجرا و عفو آن‌ها، قوانین مربوط به چگونگی معاملات تجاری، مشارکت، سود و تملیک، جنگ و صلح، عدم ظلم به دیگران، روابط مسلمانان با یکدیگر و سایر ملل، مشورت، مدیریت، دفاع از حیات انسان‌های دیگر، امنیت، عدالت و ...» (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۶۵). بنابراین با توجه به مطالب عنوان شده، زیر مقوله‌ی "اهمیت و ارزش دین در سیاست و اجتماع و لزوم رعایت ارزش‌ها و قوانین آن" به این معنی است که "معترضان بحرینی، مخالف انجام اعمال غیر دینی -همچون ظلم و ستم و تجاوز و فساد و شرب خمر و بی‌بندباری - در کشورشان بوده، و برای اداره‌ی امورشان، خواستار کناره‌گیری افراد بی‌دین از مسندهای مهم کشوری هستند و همچنین خواستار توجه دولت به مسائل دینی در جامعه می‌باشند، و همچنین حاکم را در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، موظف به الگوگیری از دین و قرآن می‌دانند." با توجه به این تعریف همانطور که در جدول بالا نیز ذکر شد، کدگذاری انجام‌شده، فراوانی مصادیق این زیرمقوله‌را در اشعار ۳۸ مورد نشان می‌دهد.

ب) - ناکارآمدی دین در سیاست و اجتماع و تکیه بر ارزش و احترام خرد جمعی

اعتقاد به ناکارآمدی اجرای دین در سیاست و اجتماع کشور و تکیه بر ارزش و احترام خرد جمعی، اعتقادی است که در زیر لوای اعتقاد به نظریه‌ی "جدایی دین از سیاست" مطرح شده است و نظریه‌ی "جدایی دین از سیاست" نیز محصول اروپای دوران رنسانس و ظهور لیبرالیسم است که در پی مقابله‌ی مردم با تسلط بی‌چون و چرای دادگاه‌های تفتیش عقاید کلیساها به وجود آمده است و معتقد به حذف همه ادیان از زندگی مدنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم است. این نظریه بدون توجه به عدم تحریف دین اسلام و امکان اجرای درست و سازنده‌ی آن در جامعه، با این بیان که «دین امری فردی، شخصی و قلبی است و هیچ‌گونه کاربردی در روابط اجتماعی، اقتصادی و امور سیاسی و حکومتی مردم ندارد» (غنوشی، ۱۳۹۲: ۸۲) بنابراین زیر مقوله‌ی "ناکارآمدی اجرای دین در سیاست و اجتماع، و تکیه بر ارزش و احترام خرد جمعی" به این معنی است

که: "معترضان معتقد به ناکارآمدی دین باشند و برای اداره‌ی امورشان، خواستار توجه دولت به خرد جمعی باشند، و حاکم را در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، موظف به کنار گذاردن دین بدانند؛ و به همین ترتیب این مضامین را نیز به طور خودآگاه و ناخودآگاه در زبان ادبی‌شان یعنی اشعار اعتراضی انعکاس دهند. با توجه به تعریف این زیرمقوله، بررسی و کدگذاری اشعار مورد نظر نشان می‌دهد که در اشعار فقط یک مصداق برای اعتقاد به "ناکارآمدی دین" وجود دارد و در واقع فراوانی به دست آمده‌ی آن یک می‌باشد.

۵-۲-۱-۱- تحلیل کیفی مصادیق زیرمقوله‌ی "اصول مد نظر معترضان"

همانطور که در بالا ذکر شد کدگذاری جامعه‌آماري مذکور، فراوانی‌ای که برای زیر مقوله‌های "اصول مد نظر" نشان می‌دهد، فراوانی ۳۸ در برابر ۱ است. اما بررسی و مطالعه‌ی ۳۸ مصداق یافت شده در مورد اهمیت دین، چنین بر می‌آید که شاعران، برای سرودن این اصل از مضامین گوناگونی استفاده کرده‌اند؛ به این صورت که گاه به طور مستقیم به سرایش دینداری و دین-خواهی معترضان پرداخته‌اند:

إِنَّمَا حُرِيَّةُ الْإِنْسَانِ، وَالْإِسْلَامُ، وَالْعَيْشُ الْكَرِيمُ الْيَوْمَ غَايَاتُ
وَلِهَذَا رَفِعَتْ فِي كُلِّ أَرْضٍ مِنْ بِلَادِ الْمُسْلِمِينَ الْيَوْمَ رَأْيَاتُ
(حمزه موسوی: کتبت فی صحفه التاريخ آیات) ۲۰

به درستی که امروز، به دست آوردن آزادی انسان و اسلام و زندگی کریمانه، غایت و هدفها هستند/ و برای همین است که در تمام سرزمین‌های مسلمانان پرچم‌ها برافراشته شده است.

-و گاه ابراز رنجش‌های معترضان را از اعمال ضد دینی آل خلیفه سروده‌اند:

هَذَا بِلَادِي! أَحْرِقْتِ قُرْآنَهَا! عَارُ الْمَوَاطِنِ أَيْنَ أَدْفُنُ عَارِي
إِبْحَثْ بِجُرْحِكَ فِي الْجَرَائِمِ هَلْ تَرَى وَطَنًا يَهِينُ الدِّينِ مِثْلَ دِيَارِي
إِنْ شِئْتَ إِبْصَارَ الْجَرَائِمِ كُلِّهَا فَأَمُرُّ عَلَى الْبَحْرَيْنِ بِالْإِبْصَارِ
(عبد الله القرمزی: هل مصحف متوجع بالنار).

این سرزمین من است! قرآنش به آتش سوخت! این موجب ننگ وطن است، پس من کجا ننگم را پنهان کنم/ با زخم و جراحت در میان جرم و جنایت‌ها جستجو کن، آیا وطنی را می‌یابی که دین را، همچون خانه من مورد اهانت و توهین قرار دهند؟! اگر خواستی تمام جنایت‌ها را همزمان با هم ببینی، با دقت و تیزبینی از بحرین گذر کن.

اما فراوانی یافت شده برای زیرمقوله "ناکارآمدی اجرای دین در سیاست و اجتماع، و تکیه بر ارزش و احترام خرد جمعی" یک می‌باشد:

• ارجاع اشعار به دلیل عدم چاپ دواوین شعراء ابداعی بوده و ابیات مذکور به این صورت (نام شاعر: مطلع قصیده‌ی مورد استفاده) ذکر شده است.

حُرْبَةً لَّا الدِّينُ قَرَرَهَا وَلَا الـ سَقَانُونَ وَالِدُّسْتُورُ وَالْمِثَاقُ

(عارف القشعمی: شَعْبٌ تَضِيقُ لِهَوْلِهِ الْأَفَاقُ)

آزادی‌ای که نه دین آن را تأیید می‌کند و نه قانون و نه عهد و پیمان.

همانطور که از نظر گذراندیم فراوانی این دو زیر مقوله نسبت ۳۸ به ۱ را نشان می‌دهد. در واقع حجم اندک زیر مقوله‌ی "اعتقاد به ناکارآمدی دین در سیاست و اجتماع" در اشعار، حاکی از آن است که معترضان در کنار خواسته‌های دموکراتیک خود، در اکثریت قریب به اتفاق اعتقادی به ناکارآمدی اجرای دین در سیاست و اجتماع ندارند و درست برعکس آن، راه چاره-ی حل مشکلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در اجرای درست دین در جامعه می‌بینند و حتی با این استدلال که عقل انسانی و خرد جمعی در سایه و لوای دین است که می‌تواند کاملاً مفید و سازنده باشد- بی‌توجهی به دین را نیز منفور و طرد شده به حساب می‌آورند؛ و شاعران با عبارتهایی همچون "هُم بِلَا دِينٍ" و "هُم وُلَاةُ الْخُمُورِ" سعی در روشن کردن این امر دارند که: اصل دینداری و تقوا، برای حاکم و ولی‌امر معترضان، به منظور حفظ عدالت راستین و حق و حقوق شهروندان، امری ضروری و مهم و غیر قابل حذف می‌باشد. در واقع از این اشعار چنین بر می‌آید که معترضان نظم و عدالت و آزادی و اقتصاد و فرهنگ را به شیوه‌ی دین خداوند و پیامبر و قرآن او پسندیده‌اند، و نه به شیوه‌ی لیبرالی و اومانیستی؛ و بر این باورند که حاکمی که قرآن را می‌سوزاند و خود بی‌دین است و به محرمات دینی مثل ظلم و ستم و فسق و فجور و شرب خمر توجهی ندارد، لیاقت حکومت بر مسلمانان را نداشته و باید از مقام خود خلع شود و شاعران نیز به عنوان زبان ادبی معترضان، برای بیان این سلب لیاقت از حاکم و مسئولان حاضر کشور بحرین، به سرایش دین‌خواهی مردم و دین‌ستیزی حاکمان در قالب‌های آزاد و کلاسیک پرداخته‌اند.

عنوان مقوله	زیر مقوله‌ها	فراوانی
۲- نمادها و الگوهای فکری-عقیدتی	۱- دینی-اسلامی	۴۳
	۲- لیبرالی	۰

۵-۲-۲- نمادها و الگوهای دینی-اسلامی

همانطور که می‌دانیم تاریخ ادیان آسمانی، پیشینه‌ای به طول تاریخ بشریت دارد، و برگزیدگانی از جنس پیامبران: از حضرت آدم و نوح و ابراهیم گرفته تا موسی و عیسی و محمد (ص) و هزاران پیامبر و پیشوا و رهبر دیگر که در فاصله‌ی رسالت اینان، مسئولیت راهنمایی و هدایت بشر را به عهده داشتند و همگی تاریخ را به گونه‌ای رقم زدند که به همراه حوادث مهم زندگی و دشمنانشان برای افراد و احزاب دین‌مدار، به الگو و نماد تبدیل گشته‌اند؛ آدم و درخت سیب و ابلیس، نوح و کشتی و طوفان، ابراهیم و نمرود و آتش و گلستان، موسی و فرعون و گوساله‌ی سامری و بنی‌اسرائیل لجباز، عیسی و یهودا و صلیب، و در نهایت محمد(ص) و مشرکان مکه، و بعد از او چهارده معصوم: از علی و خلافت و مسجد کوفه، حسن و دشمن خانگی، و حسین و کربلا و کوفیان، گرفته تا مهدی موعود و غیبتش. در واقع تمامی اینها به همراه هزاران مورد دیگر، نمادها و الگوهایی هستند که سالیان است در ادبیات سیاسی دینداران تجسم یافته و خط‌مشی و اهداف آنان را بیان کرده‌اند. همانطور که در جدول

مذکور می‌بینیم کدگذاری انجام‌شده، فراوانی‌ای که برای مصادیق "نمادها و الگوهای دینی-اسلامی" در اشعار جامع‌ی آماری مورد نظر، نشان می‌دهد ۴۳ مورد است.

۵-۲-۳- نمادها و الگوهای لیبرالی

پیدایش لیبرالیسم به عنوان یک نهضت اجتماعی، تاریخ مشخصی ندارد اما همانطور که روشن است ظهور آن نتیجه‌ی مقابله‌ی پروتستان‌ها با ظلم و ستم دستگاه حکومتی-مذهبی اروپای قرون وسطی و پیشرفت علمی دوران رنسانس و نظرات نظریه-پردازان می‌باشد(نک: آربلاستر، ۱۳۶۷: ۱۲۲). بنابراین الگوها و نمادهای لیبرالیسم نیز در اسامی اولین اصلاح‌طلبان، اولین نظریه‌پردازان، اولین احزاب و انقلاب‌های لیبرالی و همچنین حکومت‌های مبتنی بر اصول آن، تجسم می‌یابد. بدین ترتیب واژه و مفهوم پروتستان با تکیه بر اینکه اولین مخالفان حکومت کلیسای پادشاهی بودند و نظریه‌پردازانی همچون: توماس هابز، جان لاک، آدام اسمیت که اولین پیام‌آوران و پیشوایان مکتب لیبرالیسم بودند(آربلاستر، ۱۳۶۷: ۱۹۰-۳۱۶)، و انقلاب‌هایی نظیر "انقلاب کبیر فرانسه" که برای اولین بار به لیبرال خواهان هویت و قدرت بخشید(همان: ۳۱۳)، و مجسمه‌ی "تاییس" که توسط دولت لیبرال فرانسه به دولت لیبرال آمریکا به عنوان نماد آزادی هدیه داده شده است، همگی نمادها و الگوهای لیبرالیسم به حساب می‌آیند. همچنین می‌توان رهبرانی همچون مهاتما گاندی را نیز به نوعی در دایره‌ی اندیشه‌ی لیبرالیسم قرار داد؛ چراکه وی با وجود بی‌اعتقادی‌اش به لیبرالیسم غربی و پایبندی شدیدش به دین و مذهب، بدون دخالت دادن مسائل دینی در مسائل سیاسی-اقتصادی-اجتماعی کشور، رهبری کشور خود را به عهده داشت(نک: گاندی جی، ۱۳۴۶: ۱۵۶). بررسی اشعار مورد نظر و کدگذاری انجام‌شده، نشان می‌دهد که در اشعار هیچ مصادیقی برای "نمادها و الگوهای لیبرالی" وجود ندارد.

عنوان مقوله	زیر مقوله‌ها	فراوانی
۲- نمادها و الگوهای فکری-عقیدتی	۱- دینی-اسلامی	۴۳
	۲- لیبرالی	۰

۵-۲-۱-۲- تحلیل کیفی مصادیق زیرمقوله‌ی "نمادها و الگوهای فکری-عقیدتی"

همانطور که در بالا نیز ذکر شد فراوانی زیر مقوله‌های مقوله‌ی "نمادها و الگوهای فکری-عقیدتی" معترضان، فراوانی ۴۳ در برابر ۰ است. اما نمادها و الگوهای موجود در ۴۳ مصادیق زیرمقوله‌ی "نمادها و الگوهای دینی-اسلامی" عبارتند از: دو دسته‌ی مثبت و منفی. دسته‌ی مثبت‌ها به عنوان نماد و الگو، و دسته‌ی منفی‌ها فقط به عنوان نماد. دسته‌ی مثبت عبارتند از: پیامبر اکرم با عنوان‌های مصطفی و نبی، امام علی(ع) با عنوان‌های حیدر و مرتضی و علی، حادثه‌ی کربلا با عنوان‌های عاشورا، کربلا، غازیه، طفوف و طف المحن، امام حسین با عنوان‌های حسین، سبط طه و سبط النبی، حضرت زینب، حضرت عباس، امام موسی کاظم، مالک اشتر و دعبل خزائی. و دسته‌ی منفی‌ها عبارتند از: فرعون، قارون، ابرهه، بنی‌امیه، بنی‌سفیان، یزید، شمر، عمر بن سعد، حرمله و مروان بن حکم.

به این ترتیب اشعار با الگوها و نمادها، شیوه‌ی حکومت‌داری و عدالت‌محوری را از حکومت و عدالت پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) و مالک اشتر، وام می‌گیرند:

«يَا سَائِلِي عَنْ ثَوْرَتِي لِمَ صَامِدَةٌ / وَ عَلَي صَعِيدِ الْمَجْدِ تَبَقَى رَائِدَةٌ / ... تُرَابُ أَرْضِي عَاشِقٌ لِلْمُصْطَفَى / وَ الْمُرْتَضَى بِالْعَزْمِ أَضْحَى قَائِدَةٌ» (زکی یاسری: یا سائلی عن ثورتی لم صامده). ای پرسشگری که درباره چگونگی پایداری انقلابم سوال می کنی / و اینکه چگونه در عرصه بزرگی و مجد استوار و برافراشته باقی مانده است / ... / (بدان که) خاک سرزمین من عاشق مصطفی، پیامبر برگزیده است / و علی مرتضی (ع) نیز با عزم و اراده، رهبر و پیشوای آن است.

وَ لِإِنِّي وَأَلَيْتُ نَهَجَ الْمُرْتَضَى فَالْبَصْقُ فِي وَجْهِي يُمَارِسُهُ فَمُكُّ

(عازف النصر: أَجْلُدُ فُؤَادِي وَاسْتَمِرُّ يَا ظَالِمِي).

به این دلیل که من راه و شیوهی علی مرتضی (ع) را برگزیده ام دهانت بر صورتم تف می اندازد.

- و صبر و شکیبایی در زندان های آل خلیفه را از امام موسی کاظم (ع) در زندان های هارون رشید:

وَ إِلَى مَتَى مَوْسَى يُقَاسَى سِجْنَهُ؟ وَ الْقَيْدُ عَنْ قَوْلِ الْحَقِيقَةِ كَبَلُهُ

(عازف نصر: لَاءُ الْكُفَى أَمْضَتْ بِنَا مُتَكَبِّلُهُ)

و تا کی موسی کاظم (ع) از زندانش رنج می برد؟ در حالی که قید و بند از گفتن حقیقت به زنجیر کشیده شده است.

- و اعتراض و سرودن اشعار جسورانه در مقابل حکومت ظالم را از ظلم ستیزی های ادبی دعبل خزائی، شاعر دوره ی عباسی و هم عصر امام رضا (ع):

«اَكْتَبَ الشَّعْرَ بِحَبْرِي وَ خِيَالِي / وَ فُؤَادِي يَكْمِلُ الشَّعْرَ إِرتَجَالِي / سَرْدَهُ بِالْحَزْنِ سَرْدًا دَعِيلِيًا / قَالَهُ فِكْرِي بِسَاعَاتِ اللَّيَالِي / ... / وَ بِهِ أَعَزُّوا بُكَارَاتِ الطَّوَأَعِي» (عازف نصر: اکتب الشعر بحبری و خیالی). شعر را با جوهرم و خیالم می نویسم / و قلبم آن را بدون اندیشیدن کامل می کند / روایت حزن آلود آن، روایتی دعبلی است / فکرم آن را در ساعات شبانه گفته است / ... / و با آن به جنگ با اندیشه های دشمن می روم.

از طرف دیگر، دشمنان و کارشکنان اعتراضات و انقلاب خواهی خود را نیز با نمادهای منفی - که همگی نمادهای ضد اسلامی و دین ستیز در پوشش اسلامی هستند - معرفی می کنند، به عنوان مثال:

"شیوخ بنی امیه" نماد سران کشورهایی است که انقلاب مردم بحرین را در سطح جهان، به خاطر منافع شخصی خود، طایفه - ای و فرقه گرایانه و غیر قابل حمایت معرفی کردند:

«مَاذَا دَهَاكُمْ يَا شُيُووووووخَ بَنِي أَمِيَّةٍ / ... / وَصَلَتْ إِلَى الْبَحْرَيْنِ صَارَتْ طَائِفِيَّةً / ؟؟» (زکی یاسری: یا خادمی ... هات القلم). چه چیز شما را فریب داده است ای سران بنی امیه / ... / به بحرین که رسیدید طایفه ای شد؟

- یزید نیز نماد حمد بن عیسی حاکم وقت بحرین هستند:

فَمَتَى سَيَنْهَى عَهْدُ ابْنِ مُعَاوِيَةَ؟ وَ مَتَى نُخَاصِمُ أَهْنَا وَ الْوَلُولَةَ؟

(عازف نصر: لَاءُ الْكُفَى أَمْضَتْ بِنَا مُتَكَبِّلُهُ).

چه زمانی دوره ی پسر معاویه به انتها می رسد؟ و ما چه هنگام به جنگ با آه و شیونمان می رویم؟

با توجه به جدول فراوانی و مصادیق ذکر شده در بالا روشن می‌شود که تمامی نمادها و الگوهای به کار رفته در اشعار، نمادها و الگوهای دینی-اسلامی هستند که این نشان دهنده تمایل معترضان به اسلام و اسلام‌خواهی است؛ چرا که معترضان اگر خواهان دموکراسی لیبرالی بودند طبیعتاً می‌بایست برای توصیف و تقبیح حکام آل خلیفه در اشعار خود، به جای نمادهای ضد اسلامی از نمادهای ضد لیبرالی همچون خمینی و خامنه‌ای دو رهبر اسلام‌گرای ایران، یا شوروی کمونیست و رهبران آن و یا هر ضد لیبرال دیگری استفاده می‌کردند، و به جای الگوهای اسلامی، الگوهای لیبرالی رابه کار برند؛ در صورتی که در اشعار درست برعکس این عمل انجام شده است و این نشان می‌دهد که معترضان و زبان ادبی آن‌ها، به دنبال استقرار و تحقق اصول و ارزش‌های اسلامی در جامعه می‌باشند.

- امیدهای موجود برای تحقق پیروزی

هر مبارزه و انقلابی در هر مکتب سیاسی به منظور رسیدن به موفقیت و پیروزی آغاز می‌شود و امیدهای پیروزی هر یک بسته به جهان بینی و خط مشی سیاسی آن‌ها از مکتبی به مکتب دیگر بسیار متفاوت است؛ به این ترتیب که مکتبی که فلسفه‌ی جهان بینی آن‌ها اومانیستی است و بر انسان محوری تکیه دارند، امید پیروزی را صرفاً در "قدرت فوق‌العاده‌ی نظامی" و "فداکاری و پایداری قوی مردم" می‌بینند - که البته حرکات صلح‌آمیز آن‌ها نیز مشمول قدرت نظامی نمی‌شود- و اما مکتبی که جهان بینی آن‌ها بر اساس خدامحوری است، علاوه بر تکیه داشتن بر قدرت نظامی و فداکاری و پایداری مردم، تأکید بسیار بیشتری بر روی عوامل الهی دارند؛ زیرا قرآن کریم در رابطه با یاری مستقیم خداوند به مسلمانان در پیروزی جنگ "بدر" چنین می‌فرماید: ﴿ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ «این شما نبودید که آن‌ها را کشتید؛ بلکه خداوند آن‌ها را کشت. و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آن‌ها) افکندی؛ بلکه خداوند افکند. و (خدا خواست) تا مؤمنان را از این طریق به خوبی امتحان کند؛ خداوند شنوا و داناست» (سوره انفال: آیه ۱۷).

بنابراین در حرکات و اعتراضات صلح‌آمیز دو مکتب اومانیستی لیبرالیسم و الهی اسلام، مقوله‌ی "امیدهای موجود برای تحقق پیروزی" به طور کلی شامل دو زیر مقوله‌ی "امیدهای الهی" و "امیدهای غیر الهی"، و به طور جزئی شامل چهار زیر مقوله‌ی: ۱- یاری مستقیم و غیر مستقیم خداوند، ۲- پایداری مردم با تکیه بر مفاهیم دینی، ۳- یاری و حمایت مجامع بین-المللی و کشورهای قدرتمند لیبرالی و ۴- پایداری مردم بدون تکیه بر مفاهیم دینی، می‌شود که جدول زیر فراوانی یافت شده از هر یک را در اشعار نشان می‌دهد:

عنوان مقوله	زیر مقوله‌ها	زیر مقوله‌های زیر مقوله‌ها	فراوانی	جمع فراوانی
۳- امیدهای موجود برای تحقق پیروزی	۱. دینی-اسلامی	۱. یاری مستقیم و غیر مستقیم خداوند	۳۰	۷۲
	(الهی)	۲. فداکاری و پایداری مردم با تکیه بر مفاهیم دینی	۴۲	
	۲. لیبرالی	۱. یاری و حمایت مجامع بین‌المللی و سایر کشورها	۳	۱۱
	غیر الهی	۲. فداکاری و پایداری مردم بدون تکیه بر مفاهیم دینی	۸	

۵-۲-۱-۳- تحلیل کیفی مصادیق زیرمقوله‌ی "امیدهای موجود برای تحقق پیروزی"

دکدگذاری و بررسی اشعار بر اساس تعاریف ذکر شده نشان می‌دهد که مضامین هر یک از زیر مقوله‌ها به نحوی خاص جلوه‌گر شده‌اند. بدین صورت که مضامین زیر مقوله‌ی "یاری مستقیم و غیر مستقیم خداوند" نشان می‌دهد که معترضان در رابطه با یاری خداوند برای تحقق پیروزی‌شان به اموری همچون "دعا"، "سنت یاری خداوند"، "وعده‌ی پیروزی مستضعفان"، "ظهور منجی آخر الزمان"، و "توسل به ائمه‌ی اطهار" اعتقاد دارند که برای هر یک مصادیقی به عنوان شاهد ذکر می‌کنیم:

« يَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ يَا خَيْرَ اللَّيَالِي / اِنِّي دَعَوْتُ اللَّهَ اَنْ يَرْحَمَ حَالِي / وَ اَنْ يَزِيْدَ الْعَزْمَ فِي قَلْبِي فَمَالِي / سِوَى اِلٰهِي مِنْ مُعَيَّنٍ فِي نَضَالِي / يَا رَبَّ اَنْتَ سَامِعٌ مَقَالِي / تَحْكُمُ الظَّالِمُ فِي وَطْنِي وَ مَالِي / وَ قَدْ تَمَادَى سَارِقًا رِزْقَ عِيَالِي / يَا مُهْلِكَ الْمُلُوكَ ذُو الْجَلَالِ / وَ نَاصِرَ الْمَظْلُومِ فِي النِّزَالِ / اِرْفَعْ اِلٰهِي الشَّعْبَ لِلْمَعَالِي / وَ اِرْبُطْ اَيْدِي الظُّلْمِ بِالْاَغْلَالِ » (زکی یاسری: یا لیلۃ القدر و یا خیر اللیالی) ای شب قدر و ای بهترین شب‌ها/ من پروردگار را خواندم تا به حالم رحم کند/ و عزم و اراده را در قلبم افزایش دهد، من چیزی ندارم/ برای یاری‌ام جز پروردگارم که در مبارزه‌ام یار و یاور من است/ پروردگارا تو شنونده‌ی گفته‌هایم هستی/ ستمکار در وطن و هستی‌ام حکومت می‌کند/ و سال‌هاست که دزد روزی خانواده‌ام است/ ای هلاک کننده‌ی پادشاهان با شکوه/ و ای یاور و فریادرس مظلومان/ خدای من ملتم را به مقام و بلندمرتبتگی برسان/ و دستان ظلم را با زنجیر ببند.

سنت یاری‌رسانی خداوند:

« اِرْمِي .. / قَنَيْتُكَ قَضَاءً / تَسْحَقُ اُولِيَةُ الظُّلْمَاتِ / اِرْمِي / يَدُهُ فَوْقَ يَدَيْكَ / ... / يُمَدُّكَ الْجَبَّارُ بِمَدَدٍ / وَ مَلَانِكَةٌ / وَ مُعَدَّاتٍ / عَجَزَتْ عَنْهَا / كُلُّ جِيُوشِ الْاَرْضِ / وَ اَدْمَعَةُ الْعُلَمَاءِ / ... / اِرْمِي / قَنَيْتُكَ / بِاسْمِ اللّٰهِ » (الحرية: ارمی ..) پرتاپ کن/ تیر تو قضا و قدر است/ و پرچم ظلم و ستم را به زیر می‌کشد/ پرتاپ کن/ دست او (دست خداوند) بالای دست توست/ .../ خداوند جبار تو را یاری خواهد کرد با حمایت/ و فرشتگان/ و تجهیزاتی/ که عاجز و ناتوان هستند از آن‌ها/ تمام سپاهیان زمین/ و فکر و مغز دانشمندان،/ .../ پرتاپ کن/ .../ با نام خداوند.

همچنین مضامین مصادیق زیرمقوله‌ی "پایداری مردم با تکیه بر مفاهیم دینی" نشان می‌دهد که معترضان برای جهاد در راه خداوند و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی اهمیت ویژه‌ای قائلند؛ به طوری که مضامین اشعار پایداری آن‌ها، در کنار اشاره به مفاهیم مختلف دینی به طور ویژه حول محور "پیروی کردن از دستورات قرآن کریم"، و همچنین "تضمین رستگاری اخروی جهادگران" می‌چرخد که برای مثال آن‌ها می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

« سَنُعُودُ .. نَعُودُ / رُغْمَ الشَّكْلِ / وَ رُغْمَ الْقَمْعِ / وَ رُغْمَ .. / حِصَارِ الطَّرِقاتِ / ... / فَقَدْ اُذِنَ اللّٰهُ لِشَعْبٍ .. / قَدْ ذَاقَ الْوَيْلَاتِ / اَنْ يَصْنَعَ مِنْ دَمِهِ / عِلْمًا .. / وَ خَارِطَةً .. / وَ نَشِيدَ حَيَاةٍ / ... / قَدْ اُذِنَ اللّٰهُ لِمَنْ ظَلَمُوا / اَنْ يَنْتَصِرُوا / ... » (الحرية: سنعود). باز خواهیم گشت .. باز می‌گردیم/ با وجود مصیبت‌ها/ و با وجود کشتار و ویرانی/ و با وجود .. محاصره‌ی جاده‌ها/ .../ که خداوند اجازه داده است/ به امتی که .. طعم مصیبت‌ها را چشیده است/ از خورش بسازد پرچمی را/ و نقشه‌ای .. و سرود زندگی را/ .../ که خداوند به کسانی که مورد ستم واقع شده‌اند اجازه داده است/ که پیروز شوند ..

وَ اِنْ مِتُّ يَوْمًا بِسَاحِ الْجِهَادِ فَذَاكَ الْمُنَى يَا اِلٰهَ الْعِبَادِ

لَا نَجُو مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْمَعَادِ وَ يُصَلِّي جَحِيمًا عَدُوَّ الْبِلَادِ

(علی ادریسغانمی: ساکتب شعراً من الأبهير)

و اگر روزی در میدان جهاد بمیرم ای خداوند بندگان این آرزوی من است/ تا به وسیله‌ی آن از آتش روز معاد نجات پیدا کنم و دشمن کشور در آتش جهنم بسوزد.

در مقابل، مضامین زیرمقوله‌ی "یاری و حمایت مجامع بین‌المللی و سایر کشورها"، و در واقع یاری و حمایت غیر خدا، در مجموع اشعار فقط در سه مورد انعکاس یافته است که یک موردش مربوط به وجدان انسانی کل جهان است و دو مورد دیگر آن خطابی مختص عرب‌هاست که نگارندگان به دو مورد آن اشاره می‌کنند:

أَيْنَ الضَّمِيرِ الْعَالَمِيِّ أَلَا يَرَى دَمَ شَعْبِنَا فَوْقَ التُّرَابِ يُرَاقُ؟! (عارف قشعمی: شَعْبٌ تَضِيقُ لِهَوْلِهِ الْأَفَاقُ)

(عارف قشعمی: شَعْبٌ تَضِيقُ لِهَوْلِهِ الْأَفَاقُ)

کجاست وجدان جهانی که ببیند خون مردم ما به روی زمین ریخته می‌شود؟!!

« يَا عُرُوبُهُ .. أَلَجِمْتَ بِالنَّارِ دَارِي / أَحْرَقْتَ فِي حِينِ غَفْلَةٍ .. سَلَبْتَ مِنْهَا الطُّفُولَةَ / مُحَقَّتْ فِيهَا الْأُمُومَةَ .. سَوَيْتَ فِيهَا الْمَنَازِلَ / ... / يَا عُرُوبُهُ .. يَا دَوِيَلَاتُ كَبِيرَةَ .. هَا صَغِيرَةً / يَا بَقَايَا الْقَهْرِ فِي جِسْمٍ مُزِيْفٍ .. أَيُّ بَطْشٍ صَارَ يَرْحَفُ / عُرِيَتْ فِي الظُّهْرِ دَارِي .. خُضِبَتْ بِالدَّمِّ دَارِي / ... » (إنعام العصفور: كل عرقٍ من عروقي لك يا بحرین جلجل). ای عربیت ... خانه‌ی من با آتش سوخت / در هنگامه‌ی غفلت آتش گرفت ... از او دوران کودکی ربوده شد / و مادری در آن از بین رفت ... خانه‌ها در آن ویران شدند / ... / ای عربیت ... ای دولت‌های بزرگ و کوچک / ای باقیمانده‌های قدرت در جسمی پوشالی ... چه خشمی به پیش می‌رود / خانه‌ام در نیمروز عریان شد ... / خانه‌ام با خون رنگین شد.

و حتی یک بیت هم در زمینه‌ی یاری‌خواهی از کشورهای مدعی آزادی همچون آمریکا و یا مجامع بین‌المللی مثل سازمان ملل و ناتو، سروده نشده است.

در پایان نیز زیرمقوله‌ی "پایداری مردم بدون تکیه بر مفاهیم دینی" است که فراوانی یافت‌شده‌ی آن ۸ مورد می‌باشد؛ که به دلیل محدودیت حجمی مقاله فقط به یک مورد از آن اشاره می‌کنیم:

« لَا إِسْمَ لِي .. / طُرُقِي مُعَبَّدَةٌ وَ تَارِيخِي شُجَاعٌ كَالْهُوِيَّةِ / ... / وَ أَنَا أُسِيرٌ بِلَا دِمَاءٍ فِي الْمَسِيرَةِ / وَ أَنَا الضَّحِيَّةُ، وَ الضَّحِيَّةُ وَ الضَّحِيَّةُ ...، وَ الدَّمُ / لَا إِسْمَ لِي / لَا إِسْمَ لِي .. / إِلَّا الضَّحِيَّةُ وَ الصَّدَى ...، شَعْبٌ سَيْشِرْبِنِي، وَ وَجْهٌ صَبِيَّةٌ ظَمَأَى، وَ صَوْتُ الرِّيحِ ...، وَ الذِّكْرَى تَحَاصِرُنِي كَأَنِّي قَدْ أَكُونُ وَ لَا أَكُونُ / سَأُكُونُ حُلْمًا سَاهِرًا .. سَأُكُونُ » (منیر نمر: جسد یسافر فوق نسّمات الغیاب).

من اسمی ندارم .. / راه‌هایم هموار و تاریخم همچون هویت، شجاع است / ... / من اسیری بدون خون در مسیر هستم / من فداکاری هستم، و فداکاری و فداکاری ...، و خون / من نامی ندارم .. / جز فداکاری و پژواک ...، مردم مرا خواهند نوشاند، و صدای باد ...، و خاطره مرا محاصره کرده است گویی که هستم و نیستم / رؤیایی بیدار خواهم بود، خواهم بود.

بررسی مقوله‌ی "امیدهای تحقق پیروزی" و مقایسه‌ی حجم فراوانی مصادیق زیرمقوله‌ها، و مضامین مورد استفاده‌ی شاعران، نشان می‌دهد که رنگ خدایی و دینی امیدهای معترضان برای تحقق پیروزی در مقایسه با رنگ لیبرالی آن، بسیار پر رنگ‌تر و پر جلوه‌تر است؛ به طوری که اشعار پی در پی و دقیقاً طبق عقاید اسلامی و علی‌الخصوص شیعه، حتمی بودن "یاری خداوند" را به عنوان سنت و وعده‌ی الهی باور دارند، و مبانی و مفاهیم جهاد و مبارزه با ظلم و ستم را به عنوان یک فریضه‌ی دینی و راه نجات اخروی، به مخاطبان خود معرفی می‌کنند.

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به دو نظریه‌ی "بهار عربی" و "بیداری اسلامی"، چنین استنباط می‌شود که: طرفداران هر دو نظریه، بر روی این مسئله که "معترضان در پی دستیابی به حقوق دموکراتیک خود هستند" توافق نظر دارند و در واقع دموکراسی و مردم-سالاری خواهی آنان را به رسمیت شناخته‌اند؛ و اختلاف جدی آن‌ها - که باعث شده عقیده‌ی طرف مقابل خود را رد و مردود شمارند- بر سر چارچوب و قالب این دموکراسی خواهی‌ها است؛ بدین معنا که معترضان، دموکراسی را برای کشور خود در چه قالب و چارچوب حکومتی می‌خواهند؟ آیا خواسته‌های آنان در چارچوب لیبرالیسم است و یا در چارچوب دینی؟.

با توجه به دو اصل مهم و کلیدی انسان محوری و خدامحوری در جهان بینی دو مکتب لیبرالیسم و اسلام، مقوله‌های مستخرج از دو نظریه عبارتند از: ۱- اصول مد نظر، ۲- الگوها و نمادهای فکری- مبارزاتی، و ۳- امیدهای تحقق پیروزی. بررسی و تحلیل اشعار جنبش ۱۴ فوریه بحرین براساس کدگذاری سه مقوله‌ی استخراج شده از نظریه‌ها، حاکی از آن است که اسلام-گرایی شیعی وجه غالب ایدئولوژی سیاسی معترضان در این کشور می‌باشد و مطالبات آنان همچون آزادی سیاسی و دموکراسی و همچنین رفع تبعیضات و مشکلات اقتصادی-اجتماعی، عمدتاً در بستری دینی-اسلامی، و نه لیبرالی و سکولاریستی تعریف می‌شوند. بنابراین براساس اشعار سروده شده و ادبیات شکل گرفته اعتراضات، چنین می‌توان ادعا کرد که از بین دو نظریه‌ی "بهار عربی" و "بیداری اسلامی" برای اعتراضات کشور بحرین، نظریه‌ی "بیداری اسلامی" است، که صادق و صحیح به نظر می‌رسد و روشن کننده‌ی هویت و ماهیت واقعی اعتراضات آن می‌باشد و در مقابل نظریه‌ی بهار عربی برای آن محلی از اعراب ندارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آربلاستر، آنتونی، (۱۳۶۷). **ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب**، ترجمه عباس مخبر تهران: نشر مرکز
- اسدی، مرتضی، (۱۳۸۹). «کارگاه آموزشی روش تحلیل محتوای کیفی»، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. بازارگاد، بهاءالدین، (۱۳۴۴). **مکتب‌های سیاسی**، تهران: اقبال، چاپ سوم.
- پناهی، محمد حسین، (۱۳۷۹). «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران براساس شعارهای انقلاب»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۴۳-۸۴.
- جمشیدی، مهدی، (۱۳۹۲). ب، «بازخوانی نقدهای استاد مطهری بر ارکان نظری فرهنگ غربی، نقد سکولاریسم»، **پیام انقلاب**، شماره ۷۵، صص: ۶۴-۶۵.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۱). **بازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- رجائی، نجمه، (۱۳۸۲). **شعر و شرر، تحلیل شعر انقلاب در ادبیات عرب**، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۸). **تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی**، جلد دوم کتاب کندکاوها و پنداشت‌ها، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صدیق سروستانی، رحمت الله، (۱۳۷۵). «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۸، صص ۹۱-۱۱۴.
- فوزی، یحیی، (۱۳۹۲). «جریان‌شناسی فکری جنبش بیداری اسلامی»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۱۲۳-۱۴۰.
- کرلینجر، فردریک نیکلر، (۱۳۷۴). **مبانی پژوهش در علو رفتاری**، جلد اول، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی، تهران: آوای شور.
- گاندی، مهاتما، (۱۳۴۶). **اینست مذهب من**، ترجمه باقر موسوی، سازمان چاپ و انتشارات محمد علی علمی، چاپ سوم.
- محمدمدی مهر، غلامرضا، (۱۳۸۹). **روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)**، تهران: دانش نگار.

محمودی، فرزانه. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی اشعار جنبش ۱۴ فوریه بحرین، پایانه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر علی باقر طاهری نیا. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

موحدیان، رسول. (۱۳۷۲). کشورهای اسلواک و چک: آینده آنها در اروپا (چالشها و چشم اندازها). تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

نادری، عزت الله و دیگران. (۱۳۷۲) راهنمای عملی فراهم سازی طرح تحقیق، تهران: بدر.

نجفی، موسی. (۱۳۹۱). نظریه‌ی بیداری اسلامی براساس اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انتشارات نهضت نرم‌افزاری. منابع اینترنتی

أحمد، سوسن. (۲۰۱۱). «تسمیة "الربیع" فی الحراک الشعبي العربي!..».

<http://alhourriah.org>

اسپرینگبورگ، رابرت. (۱۳۹۱). «بهار عرب به چه معنا؟ انقلاب ۱۸۴۸ یا ۱۹۸۹؟»، ترجمه عباس فراسو.

<http://urozgan.org/fa-af/article/2522/>

اسدی، مرتضی. (۱۳۸۹). «کارگاه آموزشی روش تحلیل محتوای کیفی»، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.

<http://www.mcstudies.ir/podcast/2011/04/03/qualitative-content-analysis/>

«بیداری انسانی و بهار عربی به جای بیداری اسلامی، غفلت یا تعمد؟». (۱۳۹۱). خبرگزاری فارس ج گروه فضای مجازی، حوزه وب سایت‌ها.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910408000823>

سالم، حلمی. (۲۰۱۱). «الثورات العربية و حضورها فی الشعر»، صحيفة السفير للإعلام و الطباعة و النشر.

<http://as-saferpress.com/news>

شعراء ثورة البحرين.

www.shuarabahrain.net.ms

غنوشی، راشد. (۱۳۹۲). «اسلام و سکولاریسم»، ترجمه مهراں موحد.

<http://www.sunnatonline.com>

کورتز، لستر. (۲۰۰۸). «انقلاب مخملی در چکسلواکی ۱۹۸۹».

<http://nonviolent-conflict.org/index.php/movements-and-campaigns/nonviolent-conflict-summaries/2748>

«نظریه جدایی دین از سیاست یعنی چه؟ چه کسی برای اولین بار آن را طرح کرده است و چرا؟». (۱۳۸۵).

<http://www.porsojoo.com/fa/node/29809>

رزمی، ماشاله. (۱۳۹۰). «بهار اعراب جنبش دموکراسی خواهی در خاورمیانه».

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=38203>

منابع انگلیسی

Mayring, P. 2005, "Qualitative content analysis. Forum", Qualitative Social Research, 1(2). Retrieved March 10, , from <http://www.qualitative-research.net/fqs-texte/2-00/02-00-mayring-e.htm>. (2000).